



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۷	تاریخ	۱۴۰۴/۰۷/۱۲
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	حدود حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	مقام اول: بحث ثبوتی (امکان عقلی حجیت اخبار مع الواسطه)				
عنوان ۴	پاسخ شهید صدر رحمه الله به اشکال ثبوتی پاسخ ما بر اشکال ثبوتی				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

چکیده درس

در این جلسه، ضمن تکمیل و تقویت دیدگاه مرحوم حائری، دو پاسخ اساسی دیگر به اشکال حجیت خبر مع الواسطه مطرح و بررسی گردید.

نخست، دیدگاه شهید صدر رحمه الله به عنوان تقریر چهارم ارائه شد که از حیث مبنا، با تمامی دیدگاه‌های پیشین متفاوت است. ایشان اساساً مع الواسطه بودن این اخبار را انکار کرده و معتقدند این اخبار نیز در حقیقت بلاواسطه هستند. بر اساس این نظریه، کلام ناقل اول - مانند کلینی - دارای دو مدلول است: یک مدلول مطابقی که همان خبر متعارفی است که با سلسله سند بیان می‌کند، و یک مدلول التزامی که متضمن یک قضیه شرطیه مانعة الخلو است. مفاد این قضیه آن است که: «یا یکی از وسائط دروغ گفته است، یا امام قطعاً این سخن را فرموده‌اند». از آنجا که وثاقت و سائط با ادله رجالی ثابت می‌شود، شرط قضیه (کاذب نبودن وسائط) منتفی شده و جزاء (صدور خبر از امام) به نحو قطعی ثابت می‌گردد. بنابراین، ناقل اول مستقیماً و بلاواسطه، هرچند به نحو قضیه شرطیه، از قول امام خبر می‌دهد و اشکال از اساس منتفی است.

دوم، تقریر پنجم (دیدگاه استاد) مطرح گردید که بر نقش سیره و ارتکاز عقلایی به عنوان یک قرینه متصله استوار است. بر اساس این دیدگاه، سیره قطعی عقلا بر عمل به خبر ثقه، بدون هیچ تفاوتی میان خبر با واسطه و بی واسطه، استقرار دارد. هنگامی که شارع در چنین فضایی، دستوری عام مانند «اعمل بخبر الثقة» صادر می‌کند، این سیره معاصر با صدور کلام، به عنوان یک قرینه متصله عمل کرده و مدلول تصوری کلام را از همان ابتدا به گونه‌ای شکل می‌دهد که شامل هر دو قسم خبر باشد. در نتیجه، دلیل لفظی، از همان ابتدا و به ظهور اولی، بر حجیت خبر مع الواسطه نیز دلالت می‌کند و اشکالات از اساس مرتفع می‌شود.



مرور درس پیشین

در جلسه گذشته، بحث پیرامون دیدگاه محقق حائری و نحوه دفع اشکال از سوی ایشان مطرح شد. اینکه آیا مستشکل، این پاسخ را بپذیرد یا خیر، حرف دیگری است؛ ولی گفتیم که به دو وجه می توان اشکال را دفع کرد. وجه اول آن بود که گفته شود میان اخبارِ مخبرِ ثقه و تحققِ «مُخْبَرٌ بِهِ» (آنچه از آن خبر داده می شود)، تلازم عادی وجود دارد. اگر مخبر، ثقه باشد، عادتاً وقتی خبری می دهد، باید آن «مُخْبَرٌ بِهِ» نیز تحقق داشته باشد. یا می توان این مطلب را با عبارت دیگری بیان کرد تا شاید وضوح بیشتری یابد؛ و آن عبارت این است که میان صادق بودنِ مخبر و صدقِ خبر، تلازم عادی برقرار است.

ما می توانیم این مطلب را این گونه تقریر کنیم: اینکه ادعا کردیم ملازمه عادی قابل طرح است، به این معناست که وقتی می گوئیم مخبری، ثقه است، معنایش چیست؟ معنای ثقه بودنِ مخبر آن است که ما او را در آنچه از آن خبر می دهد، صادق می دانیم. هنگامی که عرف عقلاً به شخصی به عنوان مخبرِ صادق می نگرند، معنایش این است که اگر او خبری داد، خبرش صادق است. حال، معنای صدقِ خبر چیست؟ معنایش این است که «مُخْبَرٌ بِهِ»، تحقق خارجی دارد.

ما در حال تبیین نظر محقق حائری هستیم و می گوئیم می توان فرمایش ایشان را این گونه توجیه کرد، هرچند خود ایشان ملازمه عادی را قبول نداشتند؛ یعنی ایشان فرمودند که نه ملازمه عادی، نه ملازمه شرعی و نه ملازمه عقلی وجود ندارد، بلکه نوعی تلازم جعلی وجود دارد. اما ما می گوئیم می توان چنین ادعا کرد که خیر؛ یک ملازمه عادی وجود دارد و شارع، همین ملازمه عادی را تأیید کرده و یک جعل شرعی بر روی این ملازمه عادی صورت گرفته است. این بیان را خود ایشان ندارند، ولی ما از گنه فرمایش ایشان این گونه استفاده و استخراج می کنیم که ملازمه ای که ایشان در صدد بیان آن هستند، ملازمه میان صادقیتِ مخبر و صدقِ خبر است. اگر مخبر صادق باشد، پس حتماً خبرش صادق است؛ و صدقِ خبر یعنی «مُخْبَرٌ بِهِ» تحقق خارجی دارد. اگر بیان محقق حائری را این گونه تصویر کنیم، بیانی متین و قوی خواهد شد.

حال، گفتیم اگر کسی چنین ملازمه عادی را هم نپذیرفت، وجه دوم آن است که دست کم یک تلازم در مقام اثبات وجود دارد؛ یعنی میان اینکه مخبر ثقه از مطلبی خبر دهد و اینکه آنچه از آن خبر می دهد، در ذهن مستمع عاقل، تحقق یافته تلقی شود، در مقام اثبات چنین تلازمی برقرار است.

این از بیان محقق حائری. به نظر ما فرمایش ایشان قابل توجیه است؛ زیرا اشکالی که بر فرمایش ایشان وارد شده - چه از سوی حضرت امام و چه محقق اصفهانی که در ضمن بیاناتشان به فرمایش محقق حائری نیز اشاره دارند - بر همین مسئله نفی ملازمه متمرکز شده است، که ما با تقریبی که ارائه دادیم، این نفی ملازمه را رد کردیم.

پاسخ شهید صدر رحمته الله علیه به اشکال ثبوتی

بیانی از مرحوم آقای صدر رحمته الله علیه وجود دارد که می توان آن را تقریر چهارم یا اسلوب چهارم در پاسخ به اشکال دانست. البته تقریر اول که از آن مرحوم آخوند بود، خود شامل سه بیان می شد.

یک تفاوت اساسی میان این تقریر و تقریرات گذشته وجود دارد. تفاوت اساسی این است که تقریرات گذشته، مع الواسطه بودن خبر را می پذیرفتند و می خواستند با فرض اینکه این اخبار، مع الواسطه هستند، اشکال وارد بر آن را دفع کنند. اما در تقریر چهارم که از آن مرحوم آقای صدر رحمته الله علیه است، ایشان در صدد بیان این مطلب هستند که اساساً خبر مع الواسطه، مع الواسطه نیست، بلکه این هم خبر بلاواسطه است؛ یعنی هنگامی که کلینی از علی بن ابراهیم، و او از ابراهیم بن هاشم، و او از امام علیه السلام نقل می کند، این نقل کلینی، نوعی اخبار بلاواسطه از خود امام است. گویی کلینی مستقیماً در حال اخبار از امام است؛ لذا اصلاً اشکال از بیخ و بن برطرف است و اساساً وارد نیست، زیرا ما در اینجا با اخبار مع الواسطه مواجه نیستیم، بلکه با اخبار بلاواسطه روبرو هستیم و به همان شکلی که دلیل حجیت، سایر اخبار بلاواسطه را شامل می شود، این اخبار را نیز در بر می گیرد.

استاد شهید برای بیان اینکه این اخبار مع الواسطه در حقیقت اخبار بلاواسطه هستند، تقریری دارند. ایشان معتقدند یک توهم یا عدم التفات به نکته ای موجب شده است که این خبر را از خبر بلاواسطه متمایز بدانند و آن را مع الواسطه و محل اشکال تلقی کنند. ما بیان ایشان را در سه بند توضیح می دهیم:

بند اول: خبری که کلینی به ما می دهد - یعنی مخبر مباشری که با واسطه از امام نقل می کند - اخبارش یک اخبار حسی است؛ وقتی کلینی می گوید: «قال علی بن ابراهیم» یا «سمعت علی بن ابراهیم»، این یک اخبار حسی است؛ یعنی قول علی بن ابراهیم را خود با گوش خویش و به صورت مباشر از او شنیده است.

بند دوم: کلینی با این اخبار حسی، در آن واحد، دو جور خبر به ما می دهد؛ وقتی او می گوید: «قال علی بن ابراهیم...»، با همین یک عبارت، دو خبر را منتقل می کند: خبر اول که مدلول مطابقی خبر کلینی است، این است که یک خبر، همان مدلول مطابقی کلام کلینی است؛ یعنی: «علی بن ابراهیم گفت که ابراهیم بن هاشم گفت که معصوم چنین فرمود». این، یک خبر مطابقی است.

بند سوم: در اینجا یک خبر به دلالت التزامی نیز وجود دارد که خبر دومی است که در دل همان خبر اول نهفته است. این خبر دوم که در کلام مرحوم کلینی «قال علی بن ابراهیم...» متضمن است، به دلالت التزامی فهمیده می شود. خلاصه این خبر التزامی، یک قضیه مانعة الخلو است. این قضیه چنین است: «یا یکی از واسطه ها دروغ گفته است، یا اینکه امام علیه السلام این خبر را بیان فرموده اند». معنای این قضیه مانعة الخلو آن است که اگر هیچ یک از وسائط دروغ نگفته باشند، پس امام این سخن را فرموده اند. زیرا اگر بخواهد امام این سخن را فرموده باشد، در حالی که علی بن ابراهیم و ابراهیم بن هاشم هر دو «قال» را به کار برده اند، لاجرم باید یکی از آنها دروغ گفته باشد. پس اگر هیچ کدام دروغ نگفته اند - نه کلینی، نه علی بن ابراهیم، نه ابراهیم بن هاشم - معنایش این است که چنین خبر از امام بیان شده است.

در قضایای مانعة الخلو، تلازمی میان انتفای یک طرف و ثبوت طرف دیگر وجود دارد. اگر بگویید: «یا زید از دنیا رفته است، یا اینکه این ساعت نزد ما خواهد آمد»، چنانچه یکی از دو طرف منتفی شود - مثلاً از دنیا نرفته باشد - طرف دیگر - آمدن نزد ما - ثابت می شود؛ یا بالعکس.

این خبر دوم (خبر التزامی)، در همان خبر «قال علی بن ابراهیم» کلینی نهفته است. کلینی در حقیقت دو خبر می‌دهد: یک خبر به مدلول مطابقی: «شنیدم علی بن ابراهیم چنین گفت...»، و یک خبر دیگر که می‌گوید: «اگر علی بن ابراهیم و ابراهیم بن هاشم و... صادق باشند، پس امام این سخن را فرموده‌اند» این یک خبر است، اما به نحو قضیه شرطیه. اینجا اگر دلیلی بر صدق این وسائط قائم شد یعنی وثاقت علی بن ابراهیم، وثاقت ابراهیم بن هاشم و... برای ما ثابت شد. پس شرط قضیه (صادق بودن وسائط) محقق شده است و وقتی شرط محقق شود، جزاء (قول امام) نیز محقق می‌گردد. ما شرط «إن لم یکن أحد الوسائط کاذباً» را با دلیل بر وثاقت مخبر (که حاصل علم رجال است) احراز می‌کنیم. بنابراین، کلینی یا هر مخبر مع الواسطه‌ای، دو جور خبر می‌دهد:

۱. خبر مدلول مطابقی: که یک قضیه حملیه متعارفه است.

۲. خبر مدلول التزامی: که یک قضیه شرطیه است با این مضمون که: «إن لم یکن أحد الوسائط کاذباً، فقد قال الإمام کذا». این اخبار دوم، یک اخبار بلاواسطه از امام است، نه مع الواسطه؛ منتها اخباری است «علی نحو القضية الشرطية». در حقیقت، کلینی در مدلول التزامی کلامش، مستقیماً می‌گوید: «قال الإمام»، اما به شرط «أن یكون كل الوسائط صادقین». این حرف بسیار دقیقی است. کلینی دارد می‌گوید: «قال الصادق عليه السلام»، اما به شرط «أن یكون كل واحد من الوسائط صادقاً». این تقریر، اساساً و ماهیتاً با تقریرات بزرگان دیگر متفاوت است. آنها مع الواسطه بودن خبر را می‌پذیرفتند و می‌خواستند مشکل آن را حل کنند؛ اما این تقریر می‌گوید اساساً خبر، بلاواسطه است، منتها به نحو قضیه شرطیه است. برای خود کلینی که شرط (وثاقت وسائط) محقق بوده، جزاء (صدور خبر از امام) نیز محقق بوده است؛ برای ما نیز اگر شرط محقق شود، جزاء محقق شده و خبر، بلاواسطه از امام خواهد بود.

البته این بیان، بیان ماست و در تقریراتی که از استاد شهید وجود دارد، تاحدودی بیان پیچیده‌ای وجود دارد و خیلی رسا نیست؛ اما این بیان، بیان ماست و معتقدیم این بیان، بیان درست از فرمایش استاد شهید رحمته الله علیه است. به نظر ما این وجه، یکی از قابل قبول‌ترین وجوه و وجهی قوی است که اساساً خبر مع الواسطه را از بنیاد، نوعی از اخبار بلاواسطه از امام بدانیم.

پاسخ ما بر اشکال ثبوتی

تقریر پنجمی به نظر خود ما می‌رسد که آن را نیز مطرح می‌کنیم:

مقدمه اول: این تقریر مبتنی بر قاعده‌ای است که پیش‌تر بیان کرده‌ایم و آن قاعده این است که اگر بیانی از سوی شارع صادر شود و در مورد آن بیان، سیره عقلایی یا ارتکاز عقلایی وجود داشته باشد، آن بیان، ناظر به همان سیره یا ارتکاز تنزیل می‌شود و در همان معنا ظهور پیدا می‌کند. این سیره یا ارتکاز عقلایی، به منزله قرینه متصله عمل کرده و برای کلام امام ظهور ایجاد می‌کند.

مقدمه دوم: در مسئله مورد بحث ما، سیره عقلایی هیچ فرقی میان خبر مع الواسطه و خبر بلاواسطه نمی‌گذارد. سیره عقلایی عمل به خبر ثقه قائم است؛ چه بلاواسطه باشد و چه مع الواسطه. به همین دلیل در ابتدای بحث گفتیم که این اشکالات، اصولاً بر استدلال به سیره عقلایی حجیت خبر واحد وارد نیست؛ زیرا سیره عقلایی بر مطلق خبر ثقه قائم است؛ چه با واسطه باشد و چه بی‌واسطه.

حال، با توجه به این دو مقدمه، وقتی امام می فرماید: «لَا عُدْرَ لَأَحَدٍ مِنْ مَوَالِينَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيه عَنَّا ثِقَاتُنَا»^۱، از این کلام چه فهمیده می شود؟ با توجه به قرینه سیره عقلایی، از آن فهمیده می شود: «لا عُدْرَ لَأَحَدٍ فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا رَوَاهُ الثَّقَاتُ، سِوَاءَ كَانَ بِلَاوَاسِطَةٍ أَوْ مَعَ الْوَاسِطَةِ»؛ یعنی همان چیزی فهمیده می شود که سیره عقلا بر آن قائم است. اگر امام معنای دیگری غیر از آنچه در سیره عقلا رایج است اراده کرده بود، باید آن را با قیدی بیان می فرمود؛ مثلاً می گفت: «اعْمَلْ بِخَبَرِ الثَّقَةِ إِذَا كَانَ خَبَرًا بِلَا وَاسِطَةٍ». به عبارت دیگر: هنگامی که امام علیه السلام فرمود: «اعْمَلْ بِخَبَرِ الْوَاحِدِ الثَّقَةِ»، این بیان با توجه به سیره عقلایی قائم بر عمل به خبر ثقه، «سِوَاءَ كَانَ بِلَا وَاسِطَةٍ أَوْ كَانَ مَعَ الْوَاسِطَةِ»، ظهور پیدا می کند؛ یعنی کلام «اعْمَلْ بِخَبَرِ الْوَاحِدِ الثَّقَةِ» که از حضرت صادر شده، چنین ظهوری خواهد داشت که مقصود، همان چیزی است که میان خودتان و در میان عقلا رایج است؛ یعنی: «به خبر او عمل کن»، همان گونه که عقلا عمل می کنند یا «همان گونه که شما متشرعه عمل می کنید». بنابراین، خود دلیل لفظی در حجیت خبر مع الواسطه ظهور پیدا می کند، کما اینکه در حجیت خبر بلاواسطه ظهور دارد. بنابراین، خود دلیل لفظی، با کمک این قرینه متصله عقلایی، از همان ابتدا ظهور پیدا می کند در حجیت خبر مع الواسطه، همان گونه که در حجیت خبر بلاواسطه ظهور دارد.

توجه کنید که استدلال ما در اینجا به خود سیره عقلانیست تا اشکال شود که بحث ما در اطلاق دلیل لفظی است؛ بلکه استدلال به همان دلیل لفظی است؛ اما ما می گوئیم دلیل لفظی دال بر حجیت خبر ثقه، بر حجیت خبر مع الواسطه نیز دلالت می کند، اما با این مقدمه که وقتی در موردی، معصوم بیانی دارد و در همان مورد، سیره یا ارتکاز عقلایی قائمی وجود دارد، این ارتکاز و سیره عقلایی، در لفظ امام ظهور ایجاد می کند. این نظیر جایی است که یک حکم عقلی وجود داشته باشد. پیش تر گفتیم که گاهی عقل، سیره عقلایی یا ارتکاز عقلایی به کلام امام ظهور می دهد. این ظهوری است که ناشی از وضع لغوی یا کثرت استعمال و امثال آن نیست؛ بلکه ظهوری است که از قرینه نشئت می گیرد و این قرینه در اینجا، قرینه عقلایی است.

منتها نکته اینجا است که این قرینه، یک قرینه متصله است، نه منفصله. قرینه ای ظهوربخش است. فرق میان قرینه متصله و منفصله این است که قرینه متصله، دلالت تصویری کلام را شکل می دهد و در آن اثرگذار است. اما قرینه منفصله، پس از آنکه دلالت تصویری شکل گرفت، می آید و مدلول تصدیقی آن جمله را تبیین کرده و در آن دست می برد. به عنوان مثال، اگر مولا بگوید: «أَكْرَمَ الْعُلَمَاءَ إِلَّا الْفَسَاقَ»، این کلام از همان ابتدا در وجوب اکرام علمای غیر فاسق ظهور دارد؛ اصلاً مدلول تصویری اش این گونه شکل می گیرد؛ اما اگر بگوید: «أَكْرَمَ الْعُلَمَاءَ» و کلام تمام شود، و بعداً در یک خبر منفصل بگوید: «لَا تُكْرِمُ الْفَسَاقَ مِنْهُمْ»، این دلیل منفصل می گوید که مدلول تصدیقی من از آن خبر قبلی، این است؛ یعنی در مدلول تصویری آن دست نمی برد و به همین دلیل است که گفتیم تخصیص، موجب مجازیت مخصص نمی شود؛ زیرا لفظ «العلماء» همچنان در عموم خود و به نحو حقیقت به کار رفته است.

در بحث خودمان نیز همین است و از آنجا که سیره عقلایی، قرینه متصله است، اصلاً مدلول تصویری کلام را از ابتدا چنین شکل می دهد که وقتی امام معصوم فرمود: «اعْمَلْ بِخَبَرِ الثَّقَةِ»، همین کلام از همان اول این گونه ظهور پیدا می کند که: «اعْمَلْ بِخَبَرِ الثَّقَةِ، سِوَاءَ كَانَ الْخَبْرُ خَبَرًا بِلَا وَاسِطَةٍ أَوْ مَعَ الْوَاسِطَةِ» و لذا اشکال از اساس حل شده است.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان: مهم این است که این سیره در زمان صدور خبر وجود داشته باشد تا بتواند قرینیت پیدا کند.

[پرسش یکی از شاگردان: یعنی نباید این دلیل لفظی، خود، منشأ پیدایش این سیره باشد؟ پاسخ استاد: ما پیش تر هم گفتیم که سیره‌های شکل گرفته بعد از عصر امام، اصلاً سیره عقلائی مورد بحث ما نیست. ما با سیره‌های عقلائی معاصر با زمان کلام امام، زمان بیان امام و زمان حضور امام کار داریم. این سیره موجود در زمان صدور کلام، در کلام امام ظهور ایجاد می‌کند. نتیجه این است که گویی امام از همان ابتدا فرموده است: «اعمل بخبر الثقة سواء كان بلا واسطة أو مع الواسطة». اگر این گونه بگوییم، دیگر اشکالی باقی نمی‌ماند.

[پرسش یکی از شاگردان: ما چنین بیانی از معصوم که بگوید «اعمل بخبر الثقة» داریم؟ پاسخ استاد: هر دلیلی که ما به آن برای اثبات حجیت خبر ثقه استدلال کنیم، معنایش همین می‌شود. حال، ما قبلاً ادله لفظیه را بحث کرده‌ایم و نمی‌خواهیم دوباره آن را تکرار کنیم. اما فرضاً همین روایت: «لَا عُدْرَ لِأَحَدٍ مِنْ مَوَالِينَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا ثِقَاتُنَا»^۱. اگر سند این روایت را صحیح و قابل عمل بدانیم، آنگاه با توجه به قرینه سیره، معنای آن این گونه می‌شود: «لَا عُدْرَ لِأَحَدٍ التَّشْكِيكِ فِيمَا رَوَاهُ عَنَّا ثِقَاتُنَا، سواء رَوَاهُ بلا واسطة أو رَوَاهُ مع الواسطة».

و صلَّى الله على محمد وآله الطاهرين

مؤسسه حفظ و نشر آثار آیت الله اراکی